

بسم الله الرحمن الرحيم

(محرم ۱۴۴۰ ه.ق - ده شب در کربلا)

۲۲ شهریور ۹۷

خطبه‌ی شب سوم

به نام خالق و آفریننده‌ی لوح و قلم. حیات و ممات که همه‌ی هستی مشتاقانه به حمد و ستایشش مشغول‌اند. او را می‌ستاییم به نعمت‌هایی که بی‌دریغ همچون بارانی بر ما فرود می‌آید.

شب‌های محرم گویای مناجات حضرت ابا عبدالله (ع) و یاران و فرزندان و بانوانی است که در حلقه‌ی امامت به‌طرف ملاقاتی در حرکت بودند که شوق و اشتیاق وجودشان را در چهره‌ی نورانی امام و در خطوط چهره‌اش، در تبسم‌هایش، در تفکراتش، در لحظاتی که به‌طرف دشمن می‌نگریستند حس می‌کردند. چه شب‌های زیبایی، چه لحظات با شکوهی، سیمای حق ساعت‌هایی را سپری می‌کرد که وعده‌ی الهی بود و روزهایی را می‌گذراند که ساعت‌هایش در فضیلت بی‌نظیر بود. چه سعادت‌مند هستیم که شب‌ها و روزهای ما به آن پیوند خورده و از شکوه و زیبایی آن بهره‌مند می‌شود. قدر آن را بدانیم، سخنان شیوا و گهربار مولایمان ابا عبدالله (ع) را همچون خونی در رگ‌هایمان تزریق کنیم تا جان نیمه‌جانمان حیاتی مجدد و مطهر یابد. ماییم که به زندگی عادی و مادی چنان دل‌بسته و وابسته شدیم که تنها نگرانی و دلواپسی ما افزایش و تورم مواد و اجناس مصرفی ما است و نقل مجالس و گفت‌وگوهای روزمره و فکر ما فقط در این زمینه دور می‌زند. کمتر علاقه‌ای و نگرانی از افزایش و تورم بی‌دینی و کفر و نفاق و جنایت و ظلم که هر سال نه بلکه هر روز جامعه‌ی مسلمین را در خود فرو می‌برد در وجود ما نیست.

پس به خود آیم قبل از اینکه دیر شود، از این خطابه‌ها چاره‌ی کار را پیدا کنیم که چگونه دینمان را حفظ کنیم و حق را پیدا کرده و با حق مداران همگام شویم. ماییم که ادعای ما بر شیعه و منتظر بودن است و چنان عاشق اهل‌بیت هستیم که آنان در مولودی‌هایشان برایمان متولد می‌شوند و ما از این میلاد شاد و مسرور می‌شویم و در

شهادت‌هایشان به شهادت می‌رسند و ما از این موضوع غمگین و فغان و اشک می‌ریزیم اگر آن را با جهالت همراه نسازیم اعجازی است بی‌نظیر؛ تولد و شهادتی که بیش از هزار سال از آن گذشته برایمان هر سال اتفاق می‌افتد پس ناخودآگاه غیبت اولیاء و امامان ما باورمان نشده و نخواهد شد. مخصوصاً مولا و سرورمان امام و ولی نعمتمان ابوالصالح المهدی (عج). پس با این باور و یقین در این شب‌های بزرگ دست نیاز و تمنایمان را به سویش دراز می‌کنیم که: مولای ما، خاطرات آمدن و رفتن فرزندان آل رسول برایمان به زمان محدود نمی‌شود. چون شما در کنارمان هستید؛ گرمی و لطف و یاری‌تان که نشان از همه عزیزانمان دارد را هر لحظه احساس می‌کنیم، پس یاری‌مان کنید همچون عاشورائیان که زمان، جلالتشان را در صحنه‌ی جان‌سنگ‌نگاشته و محبتش را در رگ‌هایش جاری نموده ما نیز به همراه حق جویانش در زمان بهمانیم و لباس رزمشان را در جنگ با باطل به جامان بپوشانیم.

حال به اذن الله و اذن رسول‌الله و به اذن مولانا ابوالعبدالله (ع) خطبه‌ی امشب را قرائت می‌کنیم:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شب سوم

سلام بر لطف و مرحمتی واسعه که خداوند کریم در جان‌بندگان خویش به ودیعه نهاد تا خیر و شر را بشناسد و دست ناتوانش را جز به دست خالقش ندهد پس سینه‌ها را مشتاق بارگاهی فرمود که تختش، فرودگاه رحمت است تا گم‌گشتگان سرزمین ناشناخته به طرفش حرکت کنند و او را بخوانند: پروردگارم، آیا باور کنم دامانی، سر پر شورم را در خود جای نخواهد داد درحالی‌که به وعده‌ای شیرین مرا خوانده است و فرموده: من از رگ گردن به تو نزدیک‌ترم پس رگ حیاتم وابسته به محبتی تمام نشدنی است.

امشب سومین شبی است که مهمان کربلا هستید؛ ساعتی را به دور مولایتان جمع می‌شوید تا معماهای ذهنتان را بگشاید اینک شما را به محفلی دعوت می‌کنم که

یارانم در مقابلم نشسته‌اند؛ یکی می‌پرسد: مولای ما، هر چه به اطراف نگاه می‌کنیم نمی‌توانیم دلیل ماندن و انتظار کشیدن را بیابیم؛ آیا انتظار را معنا می‌فرمایید؟ و من پاسخ دادم: انتظار را از زبان امتی در آینده برایتان شرح می‌دهم پس خوب گوش کنید. آنان همانند شمایند، دوستداران فرزندان پیامبرشان؛ در محفل‌ها جمع می‌شوند و هر کس با زبانی که در خور معرفتش است فرزندان پیامبر را می‌خواند؛ امامانی که شما آنان را جانشین من می‌بینید مانند علی بن الحسین (ع) که هم اکنون در کنارتان نشسته است و شما او را به‌عنوان فرزند رسول خدا (ص) دوست دارید و پس از من فرمان‌بر او خواهید بود آیا توان درک امام محمد باقر (ع) را که کودکی است و مشغول بازی دارید؟ یاران همگی یک صدا ابراز می‌دارند: او فرزند شماست پس یاری‌اش خواهیم کرد پس معنای انتظار را دانستید؛ در این صحرا منتظر بزرگ شدن او خواهید بود همانند امت‌های آخرالزمان که در شمار روزهای عمرشان پیامبران و جانشینانشان به دنیا می‌آیند، به رسالت می‌رسند، صاحب معجزه می‌شوند، امتشان را هدایت می‌کنند، از دنیا می‌روند و آنان از به دنیا آمدنشان مسرور می‌شوند و از مرگشان محزون و از اقوامشان متحیر؛ تمام این حوادث در شمار روزهای عمرشان حاصل دینی است که بدان ایمان آورده‌اند؛ همه چیز در گذشته قبل از به دنیا آمدنشان تمام شده؛ نام‌ها باقی مانده و خاطراتی که هر محقق آن را به سلیقه‌ی خود در کتابی جمع آوری نموده، آیا توان درک این امت را دارید؟ یاران به یکدیگر می‌نگرند و پاسخ می‌دهند: ایمانشان چگونه محکم می‌شود؟ و من پاسخ می‌دهم: با قلبی که با آن، دست یاری پروردگار را حس می‌کند پس انتظار در پرتوی محبت خداوند کریم شیرین است اگر چند شب دیگر صبر کنید به معمایش پی خواهید برد.

اینک از شما می‌پرسم: در عمرتان چند شب را انتظار می‌کشید تا به وصلی همانند عاشورائیان برسید؟ درحالی‌که مولایتان شما را می‌بیند و شما توان دیدنش را ندارید پس در محفل چه کسی می‌نشینید که او غایب است و شما حاضر؟ حرارتش اشک دیدگانتان را سرازیر و شفاعتش دینتان را از معرض خطر سقوط حفظ می‌کند پس در جمع یاران کربلا هدف را معنا کردید اینک زبان قلبتان را که همواره با یاران در مناجات بوده و اشعاری از درون پر سوز و گداز سروده را در پیشانی زمان ثبت

می‌کنیم تا آثارش در دولت ظهور به نمایش درآید آنانی که ماندند و آنانی که رفتند، پس خواهر گرامی‌ام می‌پرسد: حسین جان، آنان همواره شمشیری آماده‌ی رزم دارند که هرگز از غلاف خارج نمی‌شود فقط به کمرشان بسته‌اند پس نقششان در نهضت عاشورا چه نقشی است؟ و من پاسخ می‌دهم: رؤیایی است که شیرینی‌اش در کامشان باقی می‌ماند تا در هر دوره آن را با مزه‌ی جدیدی به بازار عرضه کنند پس به فرموده‌ی قرآن کریم عده‌ای شادان و خندان هستند و عده‌ای محزون آنانی که توانستند تا امر امامشان را درک کنند شادان و خندان هستند و آنان که به نمایشی دل‌خوش شدند دسته‌ی دوم. پس در مهمانی امشب عاشورائیان خود را محک بزنید تا با نزدیک شدن به ظهر عاشورا بتوانید از زبان امام عصرتان جانتان را از گره‌ی غیبت رها کنید پس جمع یاران را در این جنگ حق و باطل با خود هم نوا کنید و فریاد بزنید:

اللهم عجل لولیک الفرج